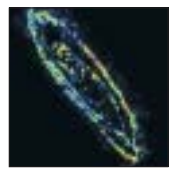

دانش

آسایشگاهی برای ستارگان پیر . . . ۲۰

دانش

فقط و فقط یک ژن ۲۰

خانه

نهمین کنگره انجمن اورولوژی ایران ۲۱

جامعه

نیازهای متنوع ۱۸ میلیون جوان ایرانی ۲۲

بازخوانی جنجالی‌ترین پرونده جنایی اولین زن زندانی

قدیمی‌ترین زن زندانی: من قاتل نیستم

این زن متهم به قتل پس از ۱۳ سال با گرفتن حکم برائت از زندان آزاد شد و به آغوش خانواده‌اش برگشت

الهه فراهانی

عکس: مجذ شکری

■ آغاز حادثه

یکی از روزهای تیرماه سال ۷۲، ماموران آگاهی شهرری، مثل همیشه در حوزه استحفاظی خود مشغول گشت‌زنی بودند که کنار خیابان یک ماشین پیکان را دیدند. این ماشین به طور مشکوکی مدت‌ها بود که همانجا پارک شده بود و مرد جوانی بدون حرکت روی فرمان ماشین افتاده بود.

افسر آگاهی با رئیس‌اش خود تماس گرفت و این موضوع مشکوک را به وی اطلاع داد. دقایقی بعد اکیپی از کارآگاهان تجسس آگاهی شهرری در صحنه حضور یافتند و با شکستن قفل مرد جوان را از داخل ماشین بیرون آوردند. در ادامه بررسی‌ها روشن شد که مرد جوان نفس نمی‌کشد و فوت کرده است. ماموران با تلفن بازپرس ویژه قتل تماس گرفتند و خبر این مرگ مشکوک را به وی دادند. بازپرس ویژه قتل در صحنه حاضر شد و به دستور وی جسد برای بررسی علت مرگ به پزشکی قانونی فرستاده شد.

به‌هرحال ماموران تلاش خود را برای شناسایی هویت مقتول آغاز کردند. از طریق استعلام خودرو مشخص شد که ماشین متعلق به مرد ۴۰ ساله‌ای به نام مجید است و خانواده مجید با حضور در پزشکی قانونی جسد وی را شناسایی کردند. بدین ترتیب هویت جسد شناسایی شد.

■ نظریه پزشکی قانونی

پزشکان بعد از کالبدشکافی جسد اعلام کردند که مجید (۴۰ساله) در اثر خوردن سم گیاهی فوت کرده است.

■ دستگیری متهم به قتل

بعد از اعلام نظریه پزشکی قانونی، کارآگاهان یقین پیدا کردند که موضوع قتل است و مجید در اثر خوردن سم توسط شخص یا اشخاصی کشته شده است. بدین ترتیب بررسی‌ها آغاز و روشن شد که دقایقی قبل از پیدا شدن جسد توسط ماموران گشت، مجید در خانه یکی از دوستان خانوادگی‌اش به نام علی بوده است. پس علی برای بازجویی احضار شد و وی ادعا کرد که مجید دوست صمیمی‌اش بوده که در خانه‌اش رفت و آمد زیادی داشته است. در آن ساعت هم که مجید به خانه او آمده وی در منزل نبوده است. بدین‌ترتیب روشن شد که در آن ساعت فاطمه (همسر علی) در خانه تنها بوده است. فاطمه بازداشت شد و در بازجویی‌ها پرده از راز قتل گشود و گفت که خودش به تنهایی مجید را به قتل رسانده است.

وی درخصوص انگیزه قتل گفت: مجید دوست صمیمی شوهرم بود که در خانه ما رفت و آمد زیادی داشت. از مدت‌ها قبل مجید به من می‌گفت که باید با من رابطه برقرار کنی. او مرتب در گوشم زمزمه می‌کرد که مرا دوست دارد و باید از شوهرم طلاق بگیرم و با او ازدواج کنم. اما من شوهر، زندگی و بچه‌هایم را دوست داشتم و دلم نمی‌خواست زندگی‌ام از هم بپاشد.

ولی مجید قصد داشت کانون گرم خانواده‌ام را متلاشی کند. او به شوهر من حسودی می‌کرد. تا اینکه روز حادثه در غیاب شوهرم به خانه ما آمد و مقداری سم به من داد. او گفت که این سم را به شوهرت بخوران تا بمیرد و من و او بدون هیچ مانعی با هم ازدواج کنیم. من سم را از او گرفتم، اما در یک لحظه تصمیم گرفتم سم را در چای مجید بریزم تا او بخورد و از دست اذیت‌هایش خلاص شوم. به خاطر همین سم را داخل چای ریختم و مجید هم بعد از نوشیدن چای منزل را ترک کرد و در میانه راه جان سپرد.

■ اولین جلسه محاکمه و حکم اعدام

بعد از این اعتراف فاطمه مطیع بازداشت شد. وی در مراحل بعدی بازجویی قتل مجید را انکار کرد. فاطمه در اولین جلسه محاکمه در همان سال‌های اولیه قتل مدعی شد که قاتل نیست و تحت تاثیر احساساتش به قتل اعتراف کرده است.

اما قاضی دادگاه شهرری این متهم به قتل را به قصاص (اعدام) محکوم کرد.

■ یک قدم فاصله از مرگ

حکم صادره به دلیل وجود نواقص از سوی قضات دیوان عالی کشور نقض شد. با نقض حکم فاطمه، پرونده مجدداً به جریان افتاد و چون فاطمه در دومین جلسه محاکمه خود بازهم منکر قتل شده بود، قاضی دستور داد که پس از اجرای مراسم قسامه، حکم فاطمه را صادر می‌کند. بدین ترتیب ۵۰ نفر از خانواده مقتول در جلسه دادگاه حاضر شدند و قسم خوردند که فاطمه، مجید را به قتل رسانده است. قاضی بعد از پایان جلسه برای بار دوم رای به مرگ (قصاص) فاطمه داد. این بار حکم صادره به تایید قضات دیوان رسید و در حالی که قرار بود حکم فاطمه اجرا شود، شاهرودی رئیس قوه قضائیه اعلام کرد که مراسم قسامه در این پرونده نمی‌تواند دلیلی برای اثبات جرم متهم به قتل باشد. بدین ترتیب فاطمه بار دیگر از مرگ فاصله گرفت.

فاطمه که هر روز پشت میله‌های زندان کابوس مرگ را می دید وقتی شنید که شاهرودی دستور توقف حکم اعدامش را داده است، کمی به زندگی امیدوار شد و این بار آرزو می‌کرد که دیگر برای بازجویی و تحقیق به دادگاه نرود. دوست داشت درهای زندان باز شود و حکم آزادی‌اش را ببیند که به کانون خانواده‌اش برمی‌گردد. دخترهای نوجوانش نیاز به دست محبت مادری دلسوز داشتند، اما مادر بیچاره در زندان با مرگ دست و پنجه نرم می‌کرد. پرونده فاطمه به شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی شهرری برای رسیدگی مجدد فرستاده شد تا فاطمه بار دیگر به پای میز محاکمه برود. در این هنگام عبدالصمد خرمشاهی وکالت این زن را به عهده گرفت.

چندی پیش این زن ۵۳ساله به دادگاه منتقل شد تا به پای میز محاکمه برود. در جلسه محاکمه تعدادی از نوه‌های دختر و پسر فاطمه در پشت در دادگاه به انتظار دیدن مادربزرگ خود بودند. وی در آن روز پشت درهای بسته محاکمه شد و خبرنگاران در جلسه حضور نداشتند.

عبدالصمد خرمشاهی وکیل پرونده درخصوص محاکمه گفت: متهم در تمامی مراحل تحقیق منکر هرگونه دخالتی در ماجرای مرگ مجید شده و ادعا کرد به‌رغم اینکه مقتول برای ما مزاحمت‌های زیادی را ایجاد می‌کرد من هیچ انگیزه‌ای برای جنایت نداشتم. این در حالی بود که اولیای دم اصرار بر ارتکاب جنایت از سوی این زن داشته و خواستار اجرای حکم قصاص درباره او شدند.

با توجه به این اظهارات قرار شد نتیجه آزمایش‌های سم‌شناسی پزشکی قانونی بار دیگر به صورت دقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

■ نتایج آزمایش سم‌شناسی

نتیجه آزمایش سم‌شناسی که به اصرار وکیل فاطمه انجام شد، اقرار اولیه فاطمه را بی‌اثر ساخت.

به دستور قاضی بعد از ۱۳ سال باید پزشکان مشخص می‌کردند که نوع سمی که باعث مرگ مقتول شده است چه بوده؟

در واقع این آزمایش سم‌شناسی کلید آزادی و بی‌گناهی فاطمه پس از ۱۳ سال حبس بود. فاطمه در بازجویی عنوان کرده بود که با ریختن پودر سم در چای باعث قتل مجید شده است، اما آزمایش سم‌شناسی ۱۳ سال پس از مرگ مجید مشخص کرد عامل مرگ، مایع سمی بوده نه پودر.

■ فرار از زندان

یک روز که فاطمه برای پاره‌ای از تحقیقات از زندان اوین به دادگاه منتقل شده بود، بعد از پایان جلسه هنگام بازگشت به زندان در یک اقدام غافلگیرانه از دست ماموران فرار کرد. خرمشاهی وکیل فاطمه در آن هنگام می‌گفت: هیچ مرجع قانونی تاکنون ناپدید شدن این متهم را اعلام نکرده است ولی هم‌بندی‌های این زن، بازنگشتن فاطمه را تایید کرده‌اند و همسر فاطمه نیز دو ساعت بعد از متواری شدن همسرش ضمن اعلام این موضوع به بنده مدعی شد که خبر از محل اختفای همسرش ندارد.

پزشک زندان چندین بار از وضعیت روحی نامناسب فاطمه که تحمل زندان را برایش بسیار سخت کرده بود، به مسئولین زندان خبر داده بود.

■ بازگشت به سلول تنهایی

یک هفته پس از ناپدید شدن فاطمه، ماموران دختران این زن را بازداشت کردند، چون مطمئن بودند که آنها از وضعیت مادرشان خبر دارند. فاطمه که مطلع شد دخترانش به خاطر او بازداشت شده‌اند به کلانتری نبرد رفت و خودش را معرفی کرد. وی به ماموران گفت: ۱۳ سال مدت کمی نیست. جوانی‌ام از بین رفت. در زندان تباه شدم. یک بار اقدام به خودکشی کردم اما زنده ماندم. دچار بیماری‌های روحی و روانی شده‌ام و قرص مصرف می‌کنم. هرچه می‌گویم که قاتل نیستم هیچ‌کس باور نمی‌کند. همه انگشت اتهام را به سمت من نشانه گرفته‌اند، اما باور کنید من قاتل نیستم. دیگر دلم نمی‌خواست به زندان تنهایی‌ام برگردم. به خاطر همین از غفلت ماموران زن استفاده کردم و متواری شدم. بعد از فرار به قم که خانه یکی از بستگانم است رفتم، اما وقتی متوجه شدم که دخترانم را به خاطر من بازداشت کرده‌اند خودم را معرفی کردم تا آنها آزاد شوند.

■ حقایق تازه

فاطمه مثل همیشه از زندان به دادگاه منتقل شد. وی قصد داشت که در این جلسه قفل سکوت ۱۳ ساله را بشکند و پرده از راز حقایقی بردارد. پس از شروع جلسه به قاضی گفت: من در این مدت به خاطر شوهرم سکوت کردم و فکر می‌کردم که او حامی من است، اما به تازگی متوجه شدم که سرنوشت من اصلاً برای او اهمیتی ندارد. برای همین تصمیم گرفتم که راز قتل را فاش کنم و قاتلان مجید را معرفی کنم.

این زن در ادامه گفت: شوهر و برادرشوهرم قاتلان مجید هستند. من هنگام قتل اصلاً در خانه نبودم. وقتی برگشتم دیدم که وسایل خانه به هم ریخته است و روی میز سه استکان چای وجود دارد. چند ساعت بعد تلفن خانه به صدا درآمد، برادرشوهرم بود. او پشت تلفن به من گفت: «داغ مجید را به دلت گذاشتم و . . .»

برادرشوهرم این جمله را گفت و گوشی را قطع کرد. تعجب کردم. سپس به من اطلاع دادند که مجید فوت کرده است. در مراسم تشییع جنازه مجید شوهرم به من گفت که اگر پلیس از تو بازجویی کرد قتل را به گردن بگیر، چون زن را قصاص نمی‌کنند. من هم کمک‌ات می‌کنم که بعد از مدت کوتاهی از زندان آزاد شوی و . . .

اما شوهرم مرا فریب داد. او از من سوءاستفاده کرد. من هم وقتی دستگیر شدم در بازجویی‌های اولیه به خاطر شوهرم به قتل اعتراف کردم اما در مراحل بعدی منکر شدم و چون شوهرم را دوست داشتم راز را در سینه‌ام نگه داشتم و او را لو ندادم، اما او با نامردی جوابم را داد و . . .

■ دستگیری دو مظنون

بعد از اظهارات این زن برادرشوهر و شوهر فاطمه به دستور قاضی بازداشت شدند و کارآگاهان دایره دهم آگاهی تهران بازجویی را از این دو برادر آغاز کردند.

شوهر و برادرشوهر فاطمه در تمام مراحل بازجویی منکر قتل و اظهارات فاطمه شدند. شوهر قدیمی‌ترین زن زندانی به ماموران گفت: همسرم مدت زیادی است که در زندان به سر می‌برد. در این مدت دچار بیماری‌های روحی و روانی شده است و نمی‌توان به حرف‌های او اعتماد کرد. او به خاطر عذاب‌هایی که در این مدت زیاد کشیده، قرص‌های اعصاب می‌خورد و این اظهاراتش هم درست نیست. از طرفی خانواده مقتول اعلام کردند که از شوهر فاطمه شکایتی ندارند و او قاتل نیست. بدین ترتیب شوهر فاطمه از زندان آزاد شد. همچنین برادرشوهر فاطمه هم منکر قتل شد و او هم با گذاشتن قرار وثیقه از بازداشتگاه نجات پیدا کرد.

■ آزادی پس از ۱۳ سال

از طرفی قاضی شعبه ۱۰۲ دادگاه شهرری پس از مطالعه پرونده فاطمه و مشخص شدن آزمایش سم‌شناسی و تحقیقات جدید صحت بی‌گناهی این زن برایش احراز شد. به همین علت با صدور قرار وثیقه ۲۵ میلیون تومانی، موجبات آزادی موقت این زن را فراهم کرد. سپس خانواده فاطمه با گذاشتن این قرار، فاطمه را از زندان آزاد کردند. بدین‌ترتیب فاطمه پس از سال‌ها دوری از خانواده به منزلش بازگشت تا منتظر صدور حکم قاضی باشد.

■ حکم برائت

با توجه به محتویات پرونده، (خصوصاً آزمایش سم‌شناسی) و تلاش خرمشاهی وکیل فاطمه، قاضی شعبه ۱۰۲ دادگاه شهرری فاطمه را از اتهام قتل عمد تبرئه کرد. این قاضی اعترافات اولیه این زن را درست و منطقی ندانست و بدین ترتیب فاطمه پس از سال‌ها انتظار، سرانجام حکم برائت خود را از قاضی دریافت کرد.

■ گفت‌وگو با قدیمی‌ترین زن زندانی

■اکنون بعد از ۱۳ سال به آغوش خانواده‌ات برگشتی. چه احساسی داری؟

فاطمه: خیلی خوشحالم. بازگشت به خانه‌ام برایم یک رویا شده بود.

■هنوز هم می‌گویی که قاتل نیستی؟

بله، من قاتل نبودم، بارها گفتم اما هیچ‌کس باور نمی‌کرد. همه عمرم در زندان تباه شد. حتی در آنجا چندین بار اقدام به خودکشی کردم، اما زنده ماندم. دیگر خسته شده بودم. اگر قرار بود باز هم در پشت میله‌های زندان بمانم حتماً خودم را می‌کشتم تا بمیرم. زندگی در زندان خیلی سخت بود. ۱۳ سال مدت کمی نیست. جوانی‌ام را در زندان گذراندم. حالا هم که آزاد شدم باید مدت زیادی بگذرد تا به حالت عادی خودم برگردم. از طرفی بچه‌هایم نیاز به محبت مادری داشتند. خودم را نمی‌بخشم. دورانی که بچه‌هایم نیاز به من داشتند و باید من بزرگشان می‌کردم، اما پشت میله‌های زندان بودم و حسرت محبت مادری به دلشان ماند و . . .

■حدس می‌زنی چه کسی قاتل است؟

نمی‌دانم. من مجید را نکشتم. هر کس قاتل است خدا او را مجازات کند.

■با وجود اینکه قدیمی‌ترین زن زندانی بودی، در زندان برایت احترام قائل بودند؟

بله، من مثل مادر برای زن‌های زندان بودم. برای آنها مادری می‌کردم.

■حرف آخرت چیست؟

از وکیلم خرمشاهی، از شاهرودی و قاضی شعبه ۱۰۲ دادگاه شهر ری تشکر می‌کنم که زحمات زیادی برای آزادی من کشیدند. خصوصاً خرمشاهی که تلاش زیادی کرد تا بی‌گناهی مرا اثبات کند.

■ ...

اسماعیلیان وکیل پایه یک دادگستری در خصوص این پرونده می‌گوید: فاطمه قدیمی‌ترین زن زندانی بعد از ۱۳ سال حبس آزاد شد. او ۱۳ سال قبل در مراحل اولیه بازجویی بنا به انگیزه‌ها و شرایط خاص به قتل مجید دوست شوهرش اقرار کرده بود، اما انکار فاطمه در مراحل بعدی در مدت ۱۳ سال برای آزادی وی و رهایی از قصاص موثر واقع نشد تا اینکه نتیجه آزمایش سم‌شناسی که به اصرار وکیلش انجام شد، اقرار اولیه فاطمه را بی‌اثر ساخت و وی بعد از ۱۳ سال حبس که یکی از نتایج آن دوبار اقدام به خودکشی ناکام در زندان بود، آزاد شد. در واقع نتیجه سم‌شناسی کلید آزادی فاطمه از زندان بود. او در بازجویی عنوان کرده بود که با ریختن پودر سم در چای سبب قتل مجید شده است. اما آزمایش سم‌شناسی ۱۳ سال پس از مرگ مجید مشخص کرد عامل مرگ، مایع سمی بوده، نه پودر و سرانجام فاطمه با پذیرش اتهام جدید (کتمان نمودن حقایق و مساعدت با مجرم برای خلاصی وی از محاکمه و محکومیت مصداق ماده ۵۵۴ ق. مجازات اسلامی) با سپردن وثیقه ۲۵ میلیون تومانی آزاد شد و متهمان به مداخله در قتل مجید (شوهر و برادرشوهر فاطمه) تحت پیگرد قرار گرفتند. نهایتاً حکم برائت فاطمه صادر شد و تاکنون مشخص نشده که قاتل اصلی کیست و تحقیقات ماموران برای مشخص کردن قاتل اصلی همچنان ادامه دارد.

این وکیل ادامه داد: پرونده مربوط به قدیمی‌ترین زن زندانی، بدون شک می‌تواند مصداق بحث‌انگیزترین پرونده‌ها در تاریخ دادگستری ایران باشد. اگرچه ۱۳ سال عمر تباه شده فاطمه هرگز قابل برگشت و جبران نیست، اما کالبدشکافی مندرجات این پرونده کم‌نظیر می‌تواند نتایج و دستاوردهای مهم و هشداردهنده‌ای را در راستای لزوم تغییرات بنیادی در اصلاح مولفه‌هایی چون سیاست جنایی، ارزیابی دلایل در امور کیفری به ویژه اقرار، نقش کشف علمی جرم در راهیابی به واقعیت امر و امثال آن به همراه داشته باشد. هرچند تحلیل تراژدی علل حبس طولانی یک زن متهم به قتل به استناد اخبار رسانه‌ای، رویکرد منطقی نیست، اما بنابه تجارب متعدد قضایی در یک رویکرد کلی می‌توان گفت نظام کیفری ما در روند رسیدگی به پدیده‌های جنایی و در ارزیابی دلایل جرم، به جای بهره‌گیری از کشف علمی، بیشتر به اقرار محوری تمرکز علمی یافته است. به سخن دیگر به جای استفاده از شیوه‌هایی مدرن و علمی در کشف علمی جرم، (به عنوان مثال آزمایش سم‌شناسی، اثر انگشت، لکه‌نگاری، آزمایش خون، نظریه پزشکی قانونی درخصوص علت مرگ و . . .) هنوز اقرار متهم به عنوان دلیل اثبات مجرمیت تلقی می‌شود. در این پرونده اگر قاضی ۱۳ سال پیش به جای بسنده‌کردن به اقرار اولیه متهم، آزمایش سم‌شناسی را انجام می‌داد شاید کار دستگاه قضایی آسان‌تر می‌شد و ۱۳ سال عمر یک انسان در زندان تباه نمی‌شد. از طرفی آیا یک حادثه جنایی که در سال ۷۲ اتفاق افتاده اکنون باید به نتیجه برسد؟! آیا این مدت برای دستگاه قضایی مدت زیادی نیست؟! البته باید اذعان کرد چنین رویکردی (ارج نهادن به اقرار) در مراحل بازجویی اولیه جرم ناشی از رواج نادرست فرهنگی ارزش اقرار در جرم (به عنوان دلیل قاطع) و بلکه عدم تسلط اغلب قضات جوان به استفاده از شیوه‌های مدرن در کشف جرم است. متاسفانه امروزه در دستگاه قضایی ما اغلب روش‌های بازجویی‌های اولیه در مراجع انتظامی در راستای «اهتمام به گرفتن اقرار» است، در حالی که اقرار در امور جزایی باید «مقرون به واقع» باشد و یا اینکه قاضی باید تحقیق کند که اقرار اولیه متهم واقعی است یا نه.

بنابراین اقتضا دارد سران عدالت در زمینه اصلاحات جزایی اعم از قوانین ماهوی و شکلی، دگرگونی سیستم‌های رسیدگی به امور جزایی و به ویژه تربیت قضات ورزیده و پرتوان و مسلط به دانش‌های روز اهتمام بیشتری به خرج دهند.

■ سرانجام

پرونده قتل مجید در سال ۷۲ گشوده شد و بی‌گناهی فاطمه پس از ۱۳ سال اثبات شد. به هر حال تاکنون مشخص نشده که قاتل اصلی مجید کیست. امیدواریم هرچه زودتر دستگاه قضایی به نتیجه مطلوبی در این پرونده برسد و حقایق ماجرا روشن شود.

خلاصه گزارش

قاضی شعبه ۱۰۲ دادگاه شهرری پس از مطالعه پرونده فاطمه و مشخص شدن آزمایش سم‌شناسی و تحقیقات جدید صحت بی‌گناهی این زن برایش احراز شد. به همین علت با صدور قرار وثیقه ۲۵ میلیون تومانی، موجبات آزادی موقت این زن را فراهم کرد. سپس خانواده فاطمه با گذاشتن این قرار، فاطمه را از زندان آزاد کردند. بدین‌ترتیب فاطمه پس از سال‌ها دوری از خانواده به منزلش بازگشت تا منتظر صدور حکم قاضی باشد.

خرمشاهی وکیل قدیمی‌ترین زن زندانی

نگاه

تهران شهر اخلاق

لطیف روحانی

کلانشهرها در عصر تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات با چالش‌های پی در پی، مشکلات تجربه نشده و بیماری‌های ناشناخته، تحلیل رفتن باورنکردنی خانواده البته نه به معنی از بین رفتن آن بلکه گونه‌گون شدن همه‌جانبه خانواده و تغییر نظام قدرت در آن، بحران پدرسالاری ناشی از تعامل میان سرمایه‌داری اطلاعاتی و نهضت‌های اجتماعی نوین، دگرگونی زندگی کودکان، کودک‌آزاری، سوءاستفاده‌های جنسی از آنها، بحران طلاق، چالش‌های اکولوژی و بحران محیط زیست شهری، خطر ایدز، گسترش جرایم اینترنتی و قاچاق انسان، سوءاستفاده از زنان و گسستن پیوندهای قومی، نژاد، طبقه و هویت در جهان شبکه‌ای و نهایتاً بحران اخلاق و انسان برهنه شهری، زندگی شهرنشینی را با مشکل روبه‌رو کرده است.

در واقع این دنیا، دنیای دیگری است که زبان، گفتمان، ذهنیت و شاخصه‌های خاص خود را دارد. به این دلیل می‌توان گفت کلانشهر تهران امروز بزرگ شده و فربه شده تهران قدیم نیست، پارادایم‌های مسلط بر زندگی امروزش با پارادایم‌های زندگی دیروزش با هم متفاوت است. در نتیجه پیچیدن نسخه‌های گذشته و تکراری برای این مریضی که نه یک درد بلکه ده‌ها درد را هم‌زمان با هم دارد نشان از عدم درک مقتضیات زمان است. شهروندان امروزی به درستی دریافته‌اند که جامعه شهری آکنده از صداقت، قناعت، سخاوت و شجاعت بسی مطبوع‌تر و سامان‌دارتر از جامعه شهری آکنده از دروغگویی و زیاده‌طلبی و خست‌ورزی و بزدلی است. و همچنین شهروندان برخوردار از نرم‌خویی و فروتنی و نیکخواهی بسی قابل تحمل‌تر و قابل اعتمادترند از شهروندان تندخو و خودخواه، بدزبان، عیب‌جو، بدگمان، سخن‌چین و قانون‌گریز. از طرفی مدیریت کلانشهرها پی برده‌اند که آشفتگی و خودسری متعلق به جامعه غیرمدنی است. ورود به جامعه مدنی به معنی مهار خودسری است. و برای مهار خودسری به دو جامعه نیاز دارند، یکی جامعه اخلاق و دیگری جامعه قانون. به یقین انتخاب شعار تهران شهر اخلاق بهترین گزینه برای مهار بحران‌های اجتماعی پیش‌رو است. زیرا قداستی در اخلاق هست که همچون یقین در ریاضیات، آن را برتر از تجزیه و تحلیل و تجربه و تحویل می‌نشاند. تحقق این شعار منوط به برنامه‌ریزی، شناخت مقتضیات زمان، پذیرش این اصل که جامعه‌ای سالم‌تر و اخلاقی‌تر است که ارزش‌های نیک و فضایل صالحه در آن هموار قاعده باشند نه استثنا. جامعه پر از دروغ و تزویر، دزدی، اجحاف، افزون‌طلبی، قانون‌شکنی و . . . جای زندگی نیست چرا که این رذایل، امنیت و اعتماد متقابل را که شرط زندگی انسانی‌اند متزلزل و نابود می‌سازند، پس چه کار باید کرد که جریان اخلاق بر زندگی‌مان جاری شود و تهران به شهر اخلاق مبدل شود و شهروندان آن مسئولیت‌پذیر شوند.

۱- برای رهایی از جامعه‌ای پر دروغ و پرتزویر و پرنفاق، راهی نداریم جز اینکه جامعه پردروغ و پرتزویر و پرنفاق را به هیچ قیمتی نخواهیم و لازمه این امر آن است که هر حیله و شیوه‌ای که چنان مجموعه‌ای را موجه می‌سازد، ناموجه بشماریم و هیچ نظام اخلاقی و اجتماعی را که مولد و مبدع چنان حیله‌هایی است اخلاقی ندانیم.

۲- شیوه‌های اخلاق‌شکن را از جامعه شهری برکنیم و به بهانه مصلحتی عالی‌تر چراغ اخلاقیات را خاموش نکنیم، زیرا نشانه یک جامعه رذل و بی‌اخلاق، آن است که به بهانه‌ای از بهانه‌ها، ارزش‌های اخلاقی در آن مهجور افتاده باشند.

۳- به اخلاق توسعه، اخلاق توانگری و اخلاق علم مسلح شویم و برای رفع رذایل مسبوق به توسعه در پی ریشه‌کن کردن توسعه و تحقیر علم و یا دعوت به فقر قدیم برنباییم، گرچه در راه توسعه باید از سنن بهره جست، اما سنن هم زنجیرند و هم تکیه‌گاه، هم به آنها باید پناه برد و هم از آنها رهایی جست. اخلاق علم و اخلاق توانگری دو سنت مورد نیاز و ضروری زمان ماست، که باید در سرفصل مدیریت و اداره شهر قرار گیرند.

۴- برای بر تن کردن جامه قانون (کنترل از بیرون) بر تن شهروندان باید در تمام سطوح جامعه شهری از پیش‌دبستانی و مهدکودک تا دانشگاه تلاش شود تا جامه اخلاق (کنترل از درون) پوشش تن شهروندان شود و فرهنگ شهرنشینی مبتنی بر اخلاق شود و این نیاز به آموزش همگانی و مستمر دارد.

۵- تعلیم و تربیت در جامعه شهری ما به ویژه با وجود غنای مضامین اخلاقی، انسانی، ادبی، دینی و معنوی برگرفته از اسلام و زندگی پیامبر و ائمه معصومین(ع) و فرهنگ ایرانی هدفی جز تطابق بخشیدن شهروندان با محیط، رشد و پرورش عقلانی و عاطفی و ایجاد توازن بین آنها و نهادینه کردن مدارا و مروت، نفی خشونت، ایجاد منطق اصلاح، حق و گسترش «آنچه بر خود نمی‌پسندی بر دیگران مپسند» و نهایتاً پدید آوردن انسانی اخلاقی ندارد. لذا باید اصل الگوسازی براساس زندگی پیامبر در سال پیامبر اعظم به صورت مستمر مبنای مدیریت و زندگی شهری برای تحقق شعار تهران شهر اخلاق قرار گیرد.

۶- جهان و زندگی شهرنشینی پیش‌رو زبان نو، ذهن نو، عملکرد نو و نگاه نو را طلب می‌کند. بدین‌سان ما در این جامعه جدید و در راستای اخلاقی شدن زندگی شهر به سه امر مهم احتیاج داریم که باید مورد توجه مدیران شهری به ویژه در کلانشهرهایی چون تهران قرار گیرد:

الف- توسعه و نوگرایی

ب- بالا بردن سطح دانش و عقلانیت شهروندان

ج- روش و برنامه‌ریزی